

✓ نکته: تفاوت ابهام با چند پهلویی: چند پهلویی هنگامی است که یک کلمه در متن، بیش از یک معنا و برداشت داشته باشد. در حالی که ابهام، دارای چند معنا نیست و صرفاً معنای مشخصی ندارد و نمی توان مفهوم واضح و روشن پیدا کند. مثلاً هرگاه بپرسیم ساکن کجا هستی؟ پاسخ دهد: نزدیک تهران، ابهام دارد و چند پهلویی نیست.

✓ نکته : تشخیص تفاوت مغالطه نگارشی با ابهام در عبارت چگونه است؟

در مغالطه نگارشی نبودن ویرگول یا کسره اضافه، جمله را مبهم کرده ولی در مغالطه ی ابهام در عبارت ، ساختار جمله موجب بروز چنین مغالطه ای شده است.

درس سوم : مفهوم و مصداق

*ابعاد تصور (مفهوم و مصداق)

الف- بعد ذهنی ، معنا و درک ما از هر تصویری ، " مفهوم " (مفهوم کتاب ، مفهوم پدر یا مفهوم درخت)

ب- بعد عینی ، خارجی و نمونه بیرونی هر مفهوم ، " مصداق " (کتاب منطق ، پدرم یا درخت سپیدار)

✓ نکته : رابطه مفهوم و مصداق ، " معکوس " است. یعنی هرچه بر مفهوم افزوده شود از مصداق کم می شود و بالعکس.

خدا پرست ← یکتا پرست ← مسلمان ← شیعه

حیوان ← مهره دار ← چهارپا ← شیعه کشنده (اسب)

بیش ترین مفهوم

کم ترین مصداق

*اقسام تصور (جزیی و کلی)

الف - تصور جزیی : مفهومی که مصداق آن کاملاً مشخص است و قابلیت انطباق پرسش از یک مورد را ندارد . شامل :

۱- اسامی خاص و عَلم : الله ، فاطمه ، رستم

۲- اسامی منحصر به فرد : ذوالفقار ، رود ارس ، رخس ، گلستان سعدی

۳- ضمیر اشاره (این / آن) + تصور : این کتاب / آن درخت

۴- مفاهیم داخل گیومه : « پسر » ، « اسب » ، « کتاب من »

نکته ۱ : تصور احسان ، آرزو ، شوکت ، رضوان ، فرشته و... به تنهایی کلی اند ولی در جمله ، بستگی دارد . مثلاً : ایمان ، (جزئی) ، شخصی معتقد و با ایمان (کلی) است .


نکته ۲ : برای این که بدانیم مفهومی جزئی یا کلی است به مصادیق موجود یا در گذشته و یا آینده اش ، کاری نداریم و باید به همه مصادیق واقعی و فرضی آن توجه کنیم .

ب- تصور کلی : مفهومی که قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد (واقعی - فرضی) شامل :

- مفاهیم کلی چند مصداق : حیوان ، کتاب ، خدا .

- مفاهیم کلی تک مصداق : مولود کعبه ، بنیانگذار فلسفه ، تنها پسر مجید .

- مفاهیم کلی بدون مصداق : سیمرغ ، اسب بالدار ، دریای جیوه ، دیو ، غول .

تمرین : 

الف (جزئی یا کلی بودن تصورات زیر را تعیین کنید :

آدم () آدمی () کشور ایران () خدا () دریای سفید () این ()

سیندرلا () بنیانگذار فلسفه () مشهد () مشهد الرضا () منطق ارسطویی ()

طویل ترین خیابان تهران () بیماری سل () خواجه نصیر () میدان آزادی ()

اسب امام حسین (ع) () مدرسه من () نرگس () جزایر لانگرهاوس ()

« لادن » () نماز () نماز عید فطر () نماز عید فطر امسال () مدینه فاضله ()

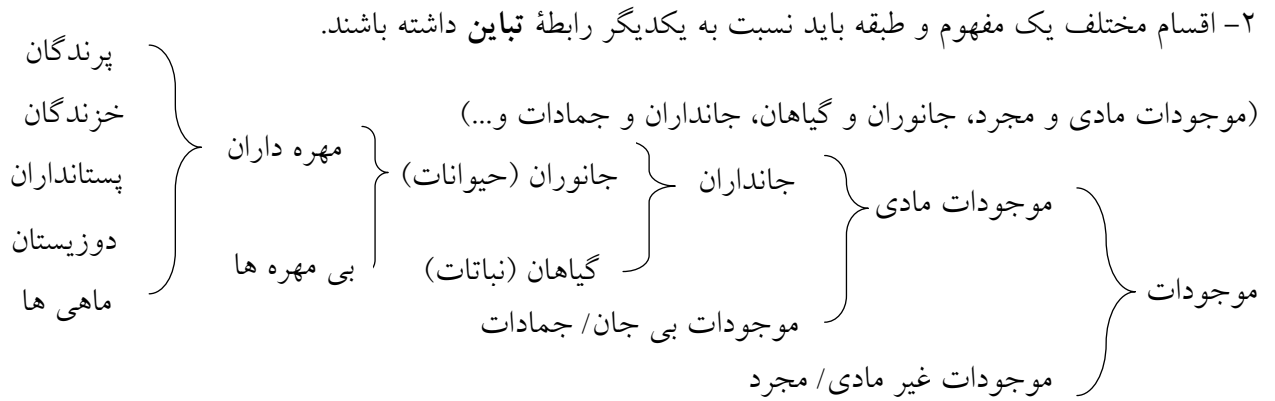
یادداشت :

ب (جزئی یا کلی بودن تصوراتی را که زیر آن ها خط کشیده شده ، تعیین کنید .

۱- شکوفه هنگام شکوفه دادن درختان ، شکوفه کرد .

نقش نسبت های چهارگانه در طبقه بندی مفاهیم

۱- در دسته بندی ها از مفهوم عام به مفهوم خاص می چینیم: باید هر طبقه از مفاهیم نسبت به مفاهیم طبقه دیگر رابطه عموم و خصوص مطلق داشته باشند.



✓ نکته: مفاهیم کلی و رابطه میان آنها در بحث تعریف و اقسام قضایا کاربرد دارد.

مفاهیم کلی ذاتی و عرضی (کلیات خمس)

الف- ذاتی و عرضی:

۱. ویژگی های اصلی یک شیء را «ذاتیات» آن می گویند یعنی تصور آن شیء بدون بعضی یا همه ویژگی های ذاتی، ممکن نیست. ذاتیات شیء، بیانگر هویت اصلی آن شیء هستند.

۲. سایر ویژگی های شیء را «عرضیات» آن شیء می نامند یعنی تصور شیء و آن ماهیت بدون این ویژگی ها ممکن است.

ب- تشخیص ذاتی و عرضی: این تشخیص، گاهی دشوار است و همواره ساده نیست. مثلاً پرواز کردن یا تخم گذار بودن ذاتی پرنده است یا عرضی؟

✓ نکته: تشخیص ذاتی و عرضی بودن یک خصوصیت برعهده منطق دان نیست ولی این که «خصوصیت ذاتی انسان چیست؟» یک پرسش منطقی است که نقش مهمی در رفتار ما دارد.

پ- کلیات خمس

۱- «جنس»: ویژگی کلی ذاتی مشترک میان چند شیء مختلف مانند حیوان (انسان، شتر و اسب) شکل (مثلث، دایره و مربع) فلز (آهن، چوبه و سرب) سخن (شعر، نثر) بیماری (سل، وبا و حصبه) و ...

✓ نکته: عامل جدایی و امتیاز افراد یک جنس، «فصل» است.

درس پنجم: استدلال و اقسام آن / استدلال استقرایی

*مقدمه

می دانیم که منطق در یک تقسیم بندی ، دو بخش اصلی (**تعریف و استدلال**) دارد. در درس های گذشته درباره تعریف ، اقسام و شرایط آن صحبت کردیم.

الف- **تعریف استدلال** : مرتب ساختن تصدیق ها و قضیه های معلوم برای کشف تصدیق و قضیه مجهول

✓نکته: آیا هر تصدیق و قضیه ای ، قابل استدلال است؟ پاسخ : قطعاً خیر، همان طور که تصور های بدیهی (خود به خود روشن) قابل تعریف نیستند، برخی تصدیق ها که بدیهی اند نیازی به اثبات و استدلال ندارند. مثلاً کل از جزء خویش بزرگ تر است/ عسل شیرین است و چون بدیهی و خود به خود روشن هستند .

ب- **اقسام استدلال** : در کتاب درسی، استدلال به دو دسته تقسیم می شود:

(۱) **استدلال استقرایی**: استدلالی که مقدمات از نتیجه ، حمایت نسبی می کنند.

(۲) **استدلال قیاسی**: استدلالی که مقدمات از آن ، ضرورتاً نتیجه را در پی دارند.

بیش تر بدانیم: در طبقه بندی قدیمی و ارسطویی ، استدلال بر سه قسم بود: تمثیل ، استقرا و قیاس.

✓نکته: برای استقرا ، از تعبیر «قوی و ضعیف» و برای قیاس ، از تعبیر «معتبر و غیر معتبر» استفاده می کنیم.

*اقسام استقرا/ استدلال های استقرایی

(۱) استقرای تمثیلی (۲) استقرای تعمیمی (۳) استنتاج بهترین تبیین

*استقرای تمثیلی

الف- **تعریف استقرای تمثیلی** : سرایت دادن حکم امر یک جزئی به یک امر جزئی دیگر ، به سبب وجود نوعی مشابهت بین آن ها. مثلاً:

یک بار معاون رئیس جمهور آمریکا گفت : «من هیچ وقت با رئیس جمهور مشاجره نمی کنم زیرا نباید با بازیکن خط حمله بحث کرد.»

صورت کلی و نمادین (استدلال تمثیلی): - پدیده A و پدیده B در خصوصیات a, b, c و ... مشابه یکدیگرند.

- پدیده A خصوصیت Z را هم دارد.

(احتمالاً) پدیده B هم خصوصیت Z را دارد.

✓ نکته : تفاوت تمثیل با استقرای تمثیلی : تمثیل روشی برای فهم مطالب به کمک شباهت میان پدیده هاست ولی استقرای تمثیلی ، استدلالی برای رسیدن به نتیجه با استفاده از تمثیل است.

سایر مثال ها :

۱- تمثیل غار افلاطون که نقش کلیدی در فهم نظام فلسفی او دارد. در زندگی انسان عالم مادی (زندانیان) به جای دیدن حقایق هستی ، فقط سایه های اشیا را می بینند.

۲- دل درد امروز خیلی شبیه علائم بیماری خواهرم است. پس بهتر است داروهای او را مصرف کنم.

*مغالطه تمثیل ناروا

۱- هر چه شباهت دو امر، بیش تر باشد ، استقرای تمثیلی قوی تر است (هر چند نتیجه اش قطعی نیست).

۲- سرایت دادن حکم دو امر جزئی که شباهت چندانی با هم ندارند (وجه شبه ندارند) را مغالطه تمثیل ناروا گویند. نمک و گچ هر دو سفیدند، پس گچ مانند نمک شور است.

- ابن خلدون با مقایسه «تمدن» با بدن انسان که تولد، رشد، و مرگ دارد، به زوال هر تمدنی حکم می کند.

*روش های مقابله با مغالطه تمثیل ناروا

۱- توجه به وجوه اختلاف : دو چیز تا چه اندازه با یکدیگر با اختلاف دارند و آیا قابل مقایسه هستند؟

کتاب های قدیمی با کالا های خوراکی؟

۲- یافتن استدلال تمثیلی مخالف : در پاسخ گویی به استقرای تمثیلی نادرست است.

مثلا روزی گردشگری نزد بایزید بسطامی آمد. بایزید از او پرسید: « چرا اینقدر سفر می کنی؟ » گردشگر پاسخ داد: « آب

اگر یک جا بماند می گندد.» بایزید گفت: « دریا باش تا نگندی.»